

مطبوعات ایران

در دوره اشغال

۱۳۲۰-۱۳۲۴

(قسمت دوم)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسعود کوهستانی نژاد

هشتم مرداد استعفاداد. پس از آن نمایندگان مجلس ابتدا به حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) جهت تصدی پس نخست وزیری ابراز تمایل کردند. ولی وی این درخواست را نپذیرفت. دو روز بعد، در دهم مرداد، احمد قوام (قوام السلطنه) از سوی اکثریت نمایندگان مجلس جهت تصدی پست نخست وزیری مورد توجه قرار گرفت. پس از مذاکرات طولانی، سرانجام قوام با این شرط که مجلس با هر کسی که او به عنوان وزیر معرفی نماید

مقدمه تاریخی

بخش دوم از سلسله مقالات «مطبوعات در دوره اشغال» را با ترسیم خطوط کلی وضع عمومی و سیاسی ایران در فاصله تیر ماه ۱۳۲۱ تا شهریور ماه ۱۳۲۲ آغاز می‌کنیم.

در اوایل مرداد ماه ۱۳۲۱ پس از اعتراضات نمایندگان مجلس به دولت در خصوص وضع عمومی کشور علی سهیلی، نخست وزیر، در تاریخ

بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

برای هفتاد و هفتمین بار

بر نداشتن بمباران شد

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

یوشوا پیشوائی

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

شورای گسورزی

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

برای هفتاد و هفتمین بار

بر نداشتن بمباران شد

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

یوشوا پیشوائی

در روزهای گذشته، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور آقایان دکتر علی سیهیلی و دکتر علی اکبر سیاسی، جلسه‌ای در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت پرداخته شد.

دکتر سیهیلی در این جلسه، به اهمیت بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی در راستای توسعه فرهنگی و علمی کشور اشاره کرد و اظهار داشت: «ما باید با اتخاذ تدابیر مناسب، به ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش بهره‌وری منابع موجود بپردازیم.»

در ادامه، دکتر سیاسی نیز به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخت و راهکارهای عملیاتی را پیشنهاد کرد. وی اظهار داشت: «یکی از راهکارهای مهم، تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.»

جلسه با حضور سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیمات مهمی در خصوص بافتنه‌های ملی و اطلاعاتی به پایان رسید.

نخست‌وزیری علی سیهیلی توانست نظر شاه را جلب کند و از مجلس رأی اعتماد بگیرد. (۲۸ بهمن) در هیئت وزیران کابینه او علی اکبر سیاسی پست وزارت فرهنگ را بر عهده داشت.

مشکلات وسیع اجتماعی اساسی‌ترین و مهمترین معضل دولت سیهیلی در ماه‌های آخر سال ۱۳۲۱ و اوایل سال ۱۳۲۲ بود. شیوع بیماری‌های واگیردار مانند تیفوس همراه با فحطی و کمبود ارزاق و نان وضع دشواری را فرا روی دولت سیهیلی قرار داد. به علاوه از اواخر بهار سال ۱۳۲۲ آماده نمودن مقدمات برگزاری انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی در سر لوجه کارهای دولت قرار گرفت. در مرداد ماه و شهریور همین سال به دنبال کشف شبکه‌های یک حزب ایرانی طرفدار آلمانها - حزب ملیون ایران - متفقین تعداد زیادی از رجال سیاسی و فرهنگی ایرانی را دستگیر کرده و به اردوگاهی در اطراف اراک همچتین به زندان رشت اعزام کردند. به دنبال این ماجرا در هفدهم شهریور ۱۳۲۲ سیهیلی، نخست وزیر وقت، طی نطقی در مجلس شروع حالت جنگ بین ایران و آلمان را اعلام نمود، این در حالی بود که آخرین روزهای شهریور ماه مصادف شد با آغاز انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی در شهرستانها. (۲)

متن همانگونه که در قسمت پیشین گفته شد دولت سیهیلی در اواخر خرداد ۱۳۲۱ دست‌اندر کار تهیه لایحه جدید مطبوعات و ارائه آن به مجلس بود. در اوایل تیر ماه همان سال دولت به توقیف برخی از جراید تهران اقدام نمود. خلیل ملکی مدیر روزنامه ستاره ماجرای توقیف جرایدها را چنین شرح داد: «... تفصیل توقف ستاره به طور مختصر چنین است روز دوشنبه هشتم تیر ماه ساعت ده بعدازظهر در بستر بیماری به وسیله تلفن از چاپخانه به من خبر دادند که مأمورین شهربانی و فرمانداری نظامی تعهد عدم انتشار روزنامه را خواسته‌اند...» (۳) این اقدام دولت عکس العمل تند نمایندگان مجلس را برانگیخت. در جلسه ۱۴ تیر ۱۳۲۱ مجلس آقای بهبانی از نمایندگان فراکسیون سعادت ایران دولت را در مورد توقیف بدون دلیل روزنامه‌ها، مورد سؤال قرار داد. دلداده بحث وی به یکی دیگر از نمایندگان به نام طباطبائی گفت: «در این هفته سه روز نامه از طرف دولت توقیف شده است. عریضه‌ای از طرف عده زیادی امضاء شده (و برای مجلس فرستاده‌اند) که دولت تقصیر این روزنامه‌ها را معین کند.» (۴)

○ توقیف روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها از سوی دولت موجب شد که مدیران جراید نیز دست به دامان مجلس شوند ولی به دلیل آنکه علاوه بر توقیف مطبوعات موضوع متفقین نیز در میان بوزیران کاری از دست نمایندگان ساخته نبود.

دو روز بعد در جلسه روز ۱۶ تیر ماه سیهیلی نخست وزیر وقت در پاسخ به سؤال بهبانی پس از آنکه تأکید کرد که در حال حاضر با مطبوعات بر طبق قانون حکومت نظامی برخورد می‌شود، شایعه کمک دولت به بعضی روزنامه‌ها را تکذیب نمود و اعلام کرد دولت دست‌اندرکار تهیه قانون جدیدی برای مطبوعات است. پس از پایان سخنان او میان نمایندگان

مجلس بر سر وضع مطبوعات درگیری رخ داد. در پایان جلسه نیز وزیر فرهنگ توضیحاتی راجع به قوانین حکومت نظامی در مورد مطبوعات داد. (۵) در جلسه روز ۱۸ تیر ماه مجلس یکی دیگر از نمایندگان به نام طوسی سخنان سهیلی را درباره مطبوعات رد کرده و ضمن اعتراض مجدد به توقیف جراید توسط دولت گفت: «تا جایی که بنده اطلاع دارم حکومت نظامی به شهرانی نوشته است (جریده) به امر آقای نخست وزیر توقیف شود.» (۶)

فعالیت مدیران جراید و نمایندگان مجلس در مخالفت بالا یکه مطبوعات دولت سهیلی همچنان ادامه یافت. تا اینکه سرانجام در ۲۵ تیر ماه در پایان مصاحبه مطبوعاتی آقای نخست وزیر با مدیران جراید مدیران روزنامه‌های مرکز از آقای نخست وزیر تقاضا کردند:

- ۱- موافقت کند از روزنامه‌های ستاره، امیر، آزاد و نامه آزاد رفع توقیف شود.
- ۲- قانون مطبوعات جدیدی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد شده و مخالف حقوق مطبوعات و اصول آزادی و مشروطیت بود، مسترد گردد.

در جواب به درخواستهای فوق، سهیلی با نخستین تقاضای مدیران روزنامه‌ها موافقت کرد و در همانجا دستور داد که رفع توقیف از چهار روزنامه نامبرده شود. راجع به قانون مطبوعات هم وعده داد که موضوع را در هیئت وزیران مطرح نماید تا تصمیم مقتضی راجع به آن اتخاذ شود. (۷) پس از جلسه فوق دیگر نه در مجلس و نه در مطبوعات درباره لایحه مذکور صحبتی نشد. به نظر می‌رسد سهیلی با توجه به مخالفت مدیران

در روزهای اول و دوم شهریورماه ۱۳۲۱
اعلامیه‌ای تحت عنوان «مرامنامه شورای عالی مطبوعات در برخی از جراید تهران چاپ و منتشر گردید. تشکیل این شورا عکس العمل گروهی از مدیران تندرو جراید تهران در مقابل اعمال سانسور و کنترل حکومت نظامی بر مطبوعات بود.

جراید و نمایندگان مجلس بی سروصدا لایحه مطبوعاتی را از مجلس پس گرفته باشد.

ارائه لایحه مطبوعاتی توسط سهیلی به مجلس و سپس پس گرفتن آن سبب به صدا در آمدن زنگ خطر برای مطبوعات گردید. آنان نیز متقابلاً سعی کردند با ترتیب دادن تشکلهای صنفی امنیت بیشتری برای خود ایجاد کنند. در مرداد ماه ۱۳۲۱ سازمان جدیدی به نام «اتحادیه مطبوعات» از جراید مخالف دولت تشکیل گردید. (۸) و در روزهای اول و دوم شهریور ماه اعلامیه‌ای تحت عنوان «مرامنامه شورای عالی مطبوعات» در برخی از جراید تهران چاپ و منتشر گردید. با توجه به اینکه این اعلامیه در جراید تند رویی نظیر مرد امروز منتشر شد می‌توان حدس زد که تشکیل این شورا عکس العمل گروهی از مدیران تندرو جراید تهران در مقابل اعمال سانسور و کنترل حکومت نظامی بر مطبوعات بود. متن اعلامیه فوق چنین است:

مرامنامه شورای عالی مطبوعات

ماده اول: به منظور حفظ آزادی قلم و تکامل مطبوعات انجمنی به نام شورای عالی مطبوعات در پایتخت مرکب از مدیران جراید و مجلات منتشره تشکیل می‌شود.

ماده دوم: شورای عالی مطبوعات موظف به حفظ حقوق مشترک روزنامه‌ها و مجلات و اتحاد و اتفاق در دفاع از هر نوع وقایع و پیشامدی است که حقوق ارباب مطبوعات و صاحبان جراید و مجلات را تهدید و تضییق نماید.

ماده سوم: هدف سیاسی هر روزنامه و مجله و خط مشی و مرام او کاملاً آزاد است.

ماده چهارم: برقراری حسن روابط و ایجاد صمیمیت و وحدت در کلیه امور بین مدیران روزنامه‌ها و مجلات از وظایف اساسی شورای عالی مطبوعات است.

ماده پنجم: چنانچه از طرف دولت یا مقامات دیگری بر خلاف حق و قانون بدون محاکمه اقدام به توقیف روزنامه شود شورای عالی مطبوعات بر رفع توقیف روزنامه یا مجله مبارزه جدی خواهد نمود. (۹)



راستی پترین سرمایه پر رنگ جهان است
سال دوم - دوره دوم - شماره ۶۹
تابش ۱۹۳۲ - شماره ۶۹

در این هنگامه پر شر و شور دنیا که:

هر چه بارها سانسور ابدی می‌تواند جزایری باشد چنانچه و کشته فرزان آدم و آخری بختهای آملی آری و ابتدای فانیست باغش میباید و اوج و اوج آملی آری و... (The text continues with a detailed report on the political and social context of the press syndicate's formation.)

<p>آگهی</p> <p>بانیان و مدیران این نشریه... (Notice regarding the publication's management and financial matters.)</p>	<p>اخبار مهنگی</p> <p>کوز... (Short news items and announcements.)</p>	<p>چگونه نایز اصلاح کنیم</p> <p>ایجاد آموزش و پرورش... (Article discussing educational reforms and the role of the press.)</p>
---	---	---

حکومت نظامی تهران نیز بلافاصله در مقابل اعلام موجودیت شورای عالی مطبوعات موضع گرفته و طی اعلامیه‌ای روند برخورد حکومت نظامی را با مطبوعات این گونه تشریح کرد:

اطلاعیه

برای رفع اشتباه مدیران جراید
 در غالب جراید مرکز شرحی تحت عنوان «مراتمة شورای عالی مطبوعات» دیده شده که ساده ۵ آن بدین طریق نگاشته شده است: «چنانچه از طرف دولت یا مقامات دیگری برخلاف حق و قانون بدون محاکمه اقدام به توقیف روزنامه‌ای شود شورای عالی مطبوعات برای رفع توقیف روزنامه یا مجله مبارزه جدی خواهد نمود.»

لزوماً تذکر می‌دهد که مطابق ماده ۸ قانون حکومت نظامی در صورتی که مطبوعات و روزنامه جات بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی به طبع برسانند شماره‌های روزنامه و اداره روزنامه را فرمانداری نظامی می‌تواند توقیف کند. و لزوم مراجعه به دادگاه فقط در صورتی است که تحریک به ضدیت با دولت شده باشد. که در این صورت مدیر روزنامه موافق حکم دادگاه نظامی به کیفر نیز خواهد رسید. لذا به آقایان مدیران جراید تذکر داده می‌شود که رویه فرمانداری نظامی تهران در آتیه عیناً مطابق این ماده قانونی خواهد بود.

فرماندار نظامی تهران - سرلشکر مقدم (۱۰)

درگیر شدنهای مداوم مطبوعات با دولت و حملاتشان به آن در آبان و آذرماه ۱۳۲۱ سبب توقیف تمامی مطبوعات و جراید کشور در واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ گردید. همان گونه که قبلاً گفته شد پس از واقعه ۱۷ آذر و آغاز به کار مجدد مجلس قوام السلطنه لایحه‌ای را تحت عنوان اصلاح قانون مطبوعات به مجلس برد. این لایحه که از سه ماده و یک تبصره تشکیل می‌شد پس از سه جلسه بحث و بررسی در سوم دی ماه ۱۳۲۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. متن لایحه مزبور به این شرح است:

ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون، کسانی می‌توانند صاحب امتیاز یا مدیر و یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان از لحاظ تمکین مالی و سرمایه علمی و اخلاقی به وسیله شورای عالی فرهنگ - با رعایت نوع روزنامه یا مجله‌ای که می‌خواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت - تصدیق شود. صاحبان امتیاز و مدیران و

شش‌جبهه‌ها
 شماره ۱۱۱
 چهارم اردیبهشت ۱۳۲۱
 تهران
 شماره ۱۱۱
 چهارم اردیبهشت ۱۳۲۱
 تهران

حلقه بازی و دوروی

زیرا که در این روزها...

اطلاعیه

برای رفع اشتباه مدیران جراید...

در غالب جراید مرکز شرحی تحت عنوان «مراتمة شورای عالی مطبوعات» دیده شده که ساده ۵ آن بدین طریق نگاشته شده است: «چنانچه از طرف دولت یا مقامات دیگری برخلاف حق و قانون بدون محاکمه اقدام به توقیف روزنامه‌ای شود شورای عالی مطبوعات برای رفع توقیف روزنامه یا مجله مبارزه جدی خواهد نمود.»

لزوماً تذکر می‌دهد که مطابق ماده ۸ قانون حکومت نظامی در صورتی که مطبوعات و روزنامه جات بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی به طبع برسانند شماره‌های روزنامه و اداره روزنامه را فرمانداری نظامی می‌تواند توقیف کند. و لزوم مراجعه به دادگاه فقط در صورتی است که تحریک به ضدیت با دولت شده باشد. که در این صورت مدیر روزنامه موافق حکم دادگاه نظامی به کیفر نیز خواهد رسید. لذا به آقایان مدیران جراید تذکر داده می‌شود که رویه فرمانداری نظامی تهران در آتیه عیناً مطابق این ماده قانونی خواهد بود.

فرماندار نظامی تهران - سرلشکر مقدم (۱۰)

درگیر شدنهای مداوم مطبوعات با دولت و حملاتشان به آن در آبان و آذرماه ۱۳۲۱ سبب توقیف تمامی مطبوعات و جراید کشور در واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ گردید. همان گونه که قبلاً گفته شد پس از واقعه ۱۷ آذر و آغاز به کار مجدد مجلس قوام السلطنه لایحه‌ای را تحت عنوان اصلاح قانون مطبوعات به مجلس برد. این لایحه که از سه ماده و یک تبصره تشکیل می‌شد پس از سه جلسه بحث و بررسی در سوم دی ماه ۱۳۲۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. متن لایحه مزبور به این شرح است:

ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون، کسانی می‌توانند صاحب امتیاز یا مدیر و یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان از لحاظ تمکین مالی و سرمایه علمی و اخلاقی به وسیله شورای عالی فرهنگ - با رعایت نوع روزنامه یا مجله‌ای که می‌خواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت - تصدیق شود. صاحبان امتیاز و مدیران و

سردبیران فعلی روزنامه‌ها و مجلات نیز مشمول این قانون می‌باشند. و هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک امتیاز روزنامه یا مجله داشته باشد.

ماده دوم: ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ به طریق زیر اصلاح می‌شود:

(ماده ۳۴) - توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیأتها و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت به آنها، با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه و خارج از نوبت مطرح و محرک و نویسنده و ناشر از هشت روز تا شش ماه حبس و از پانصد ریال تا پانجاه هزار ریال جریمه نقدی و هشت روز تا سه سال توقیف روزنامه محکوم خواهد شد. و دادگاه می‌تواند متخلف را به یک یا هر سه مجازات مذکور محکوم نماید. و در صورتی که جرایم مذکور به وسیله اوراق چاپی یا هر گونه اوراق دیگری به عمل آمده باشد، با مراجعه مدعی خصوصی آن اوراق ضبط و محرک و نویسنده و ناشر آن نیز مشمول مقررات فوق خواهند بود.

تبصره: در صورتی که نویسنده یا مدیر روزنامه بتواند از عهده اثبات نسبتی که داده است بر آید از مجازات معاف خواهد شد.

ماده سوم: شورای عالی فرهنگ آیین نامه‌ای تنظیم خواهد نمود که پس از تصویب

هیأت وزیران به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. رأی شورای عالی فرهنگ به اکثریت قاطع است. و هیچ یک از کارمندان شورای مزبور حق ندارند رأی خود را به دیگری واگذار نمایند.

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه سوم دی ماه یک هزار و سیصد و بیست و یک به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورا ملی - حسن اسفندیاری (۱۱)

آئین نامه اجرای قانون مطبوعات

مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱

ماده اول: طبق ماده اول قانون مطبوعات مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱ هیچ کس حق ندارد خود را صاحب امتیاز یا مدیر یا دبیر روزنامه یا مجله‌ای معرفی کند که پیش از تاریخ سوم دی ماه ۱۳۲۱ در تهران یا شهرستانها منتشر می‌شده یا مجاز بوده است که منتشر شود. مگر اینکه یکی از این سمت‌ها را طبق مقررات این آئین نامه از این به بعد تحصیل نماید.

ماده دوم: صاحب امتیاز و مدیر و یا سردبیر ممکن است شخص واحد و یا اشخاص جداگانه باشند در هر صورت باید شخص واحد یا اشخاص مختلف بودن آنها در تقاضانامه و در امتیاز نامه قید گردد. و هرگونه تغییر یا تبدیل در مورد آنها موکول به اجازه و تصویب شورای عالی فرهنگ است.

تبصره: وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی در صورتی که بخواهند نشریه مرتبه داشته باشند باید یک مدیر و یک سردبیر واجد شرایط معرفی کنند.

ماده سوم: صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه مرتبه دیگر باید علاوه بر تابعیت ایران و داشتن لااقل سی سال و محکوم نبودن به جنحه و جنایت از حیث شایستگی اخلاقی و سرمایه علمی و تمکن مالی دارای شرایط زیر باشند:

الف: شایستگی اخلاقی

ماده چهارم: صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه و مجله و هر نوع نشریه مرتبه باید دارای سؤ شهرت نبوده و از ردائیل تقلب و کلاه برداری و سابقه به اعمال خلاف وطن پرستی و هر نوع رفتار زایل کننده شرافت میرا باشد.

ب: سرمایه علمی

ماده پنجم: تقاضا کننده امتیاز روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه مرتبه باید دارای گواهی نامه دوره دوم متوسطه بوده یا از عهده امتحان مواد زیر بر آید:

۱- زبان و ادبیات فارسی در حدود سال ۶ متوسطه ادبی

۲- تاریخ و جغرافیای ایران

۳- تاریخ و جغرافیای مختصر عالم، در حدود سه سال اول متوسطه

ماده ششم: مدیر و سردبیر هر کدام باید دارای دانشنامه لیسانس یا معادل آن در ادبیات یا حقوق یا فلسفه و علوم اجتماعی یا دارای دانشنامه دکتری بوده یا از عهده امتحانی بر آید که مواد آن عبارت خواهد بود از تاریخ و جغرافیا و کلیات فلسفه و یک زبان خارجه و تاریخ ادبیات ایران و قرائت متون فارسی در حدود برنامه دانشکده ادبیات و نوشتن یک مقاله اجتماعی و یک مقاله ادبی قابل قبول در حضور هیئت امتحان. در مورد روزنامه‌ها و مجلات فنی داشتن گواهی نامه متوسطه کامل ادبی با گذراندن امتحانی در حدود آن و داشتن دانشنامه لیسانس در آن فن یا گذراندن امتحان در حدود آن.

ماده هفتم: کسانی که به فضل و دانش مشهور هستند و از خود تا این تاریخ تالیفات دارند که به طبع رسیده است می‌توانند تالیفات خود را به شورای عالی فرهنگ عرضه داشته تقاضای معافیت از رعایت مواد ۵ و ۶ این آئین نامه بنمایند. هیئت رسیدگی نظر خود را در این خصوص به شورای عالی فرهنگ اطلاع خواهد داد. و رأی شورا قاطع خواهد بود.

ج: توانایی مالی

ماده هشتم: تقاضا کننده امتیاز ملکف است در ضمن تقاضا توانایی مالی خود را به قرار زیر تضمین کند:

۱- برای نشر روزنامه: مخارج ۳۰ شماره به فرض اینکه هر شماره دو هزار نسخه چاپ بشود.

۲- برای نشر مجله: مخارج شش شماره به فرض اینکه هر شماره پانصد نسخه چاپ شود.

ماده نهم: هر کس تقاضای امتیاز روزنامه یا مجله می‌کند یا کسی را به سمت مدیری یا سردبیری نشریه خود معرفی می‌نماید باید تقاضا نامه به ضمیمه مدارک زیر:

۱- دو قطعه عکس

۲- دورو نوشت گواهی شده شناسنامه

۳- گواهی نامه نداشتن پیشینه بد.

۴- مدارک اعتبار بانکی که توانایی مالی

تقاضاکننده را برساند. (در مورد تقاضای امتیاز)

۵- مدارک علمی و غیره (در صورتی که

داشته باشند)

در تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و در

شهرستانها به اداره فرهنگ محل تسلیم نموده

رسید دریافت دارد.

تبصره - تمام تقاضاهایی که تا این تاریخ به وزارت فرهنگ فرستاده شده خالی از اعتبار است و تقاضاها باید با رعایت مواد این آئین نامه تجدید شود.

ماده دهم: تقاضاکننده امتیاز باید در تقاضا نامه خود قید کند که روزنامه یا مجله اش در کدام شهر منتشر خواهد شد. امتیاز یا اجازه مدیری و سردبیری که از طرف شورای عالی فرهنگ صادر می شود فقط برای همان شهر و همان روزنامه یا مجله مورد تقاضا معتبر خواهد بود.

ماده یازدهم: پرونده حاوی تقاضا نامه و مدارک ضمیمه آن از طرف اداره کل نگارش به هیئت رسیدگی مذکور در ماده ۱۴ فرستاده می شود. و آن هیئت برای تطبیق و رسیدگی و اظهار نظر منتهی ده روز مهلت خواهد داشت.

ماده دوازدهم: برای تشخیص شایستگی اخلاقی و معلومات و توانایی مالی تقاضا کنندگان که در مواد ۱۲ و ۴ مقرر شده است، در تهران هر دو ماه یک مرتبه در هفته اول ماه شورای عالی فرهنگ دو تن از کارمندان خود و یک تن از استادان دانشگاه را انتخاب می نماید و آنها با رئیس یا نماینده اداره کل تبلیغات و انتشارات و رئیس کل اداره نگارش وزارت فرهنگ هیئتی را به نام هیئت رسیدگی تشکیل خواهند داد. هیئت رسیدگی می تواند در هر مورد که مقتضی بداند دو تا چهار نفر از کارشناسان و دانشمندان را نیز به خود ضمیمه نماید. عده اعضای هیئت همیشه باید فرد باشد.

تبصره: حق الزحمه عضویت هیئت رسیدگی از طرف هیئت وزیران معین خواهد شد.

ماده سیزدهم: نظر هیئت رسیدگی اعم از رد و یا قبول در جلسه رسمی شورای عالی

فرهنگ مطرح گردیده و پس از مطالعه لازم با اکثریت آراء نصف به علاوه یک همه کارمندان شورا که در این مورد رأی مخفی خواهند داد رد یا تأیید خواهد شد. هر گاه شورای عالی فرهنگ، تحقیقات هیئت رسیدگی را کافی نداند پرونده تقاضاکننده را فقط برای یک بار تجدید نظر به آن هیئت اعاده می دهد. و رای قطعی خود را بعد از وصول نظری که در (این) باره از طرف هیئت رسیدگی اظهار خواهد شد موکول می دارد.

ماده چهاردهم: تقاضاهایی که در شهرستانها به ادارات فرهنگ می رسد در شعب شورای عالی فرهنگ مورد رسیدگی ابتدایی قرار گرفته و نظر آن شعب در صورتی که مثبت باشد با پرونده کامل تقاضاکننده به تهران ارسال می شود و در شورای عالی فرهنگ درباره آن به طریق مذکور در ماده ۱۳ رای گرفته خواهد شد. چگونگی رسیدگی ابتدایی مذکور فوق مطابق آئین نامه مصوب شورای عالی فرهنگ خواهد بود.

تبصره: در شهرستانهایی که شعبه شورای عالی فرهنگ نیست اداره فرهنگ تقاضا نامه و مدارک ضمیمه آن را عیناً برای رسیدگی به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ خواهد فرستاد.

ماده پانزدهم: تمکن مالی و صلاحیت علمی و اخلاقی صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر باید در تمام مدتی که روزنامه یا مجله آنها منتشر می شود باقی و برقرار باشد. و با زوال یکی از آن صلاحیتها امتیاز یا اجازه مدیری یا سردبیری به خودی خود لغو می شود. در صورت فوت صاحب امتیاز نام آن روزنامه برای ورثه ذکور بلافصل قانونی محفوظ می ماند. و امتیاز آن به یکی از آنها و یا به کسی که از طرف آنها معرفی می شود در صورتی که واجد شرایط باشد داده خواهد شد.

ماده شانزدهم: دولت با تحصیل مدارک و دلایلی که زوال یکی از صلاحیتهای صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر را برساند هر موقع می تواند از شورای عالی فرهنگ تقاضای تجدید نظر در امتیاز یا اجازه صادره را بنماید. صاحب امتیاز ملکف است که در صورت زوال صلاحیت مدیر یا سردبیر نشریه خود مراتب را به شورای عالی فرهنگ اعلام و برای جانشین آنها کسب اجازه نماید.

ماده هفدهم: امتیاز روزنامه‌ها و مجلاتی را که تاکنون منتشر می‌شده‌اند از این تاریخ تا مدت پنج سال فقط دارندگان سابق آنها و یا کسانی که از طرف آنها مأذون باشند می‌توانند به شرط دارا بودن صلاحیت‌های مندرج در این آئین نامه با تصویب شورای عالی فرهنگ تجدید یا تصویب نمایند.

ماده هیجدهم: شورای عالی فرهنگ اسامی نامناسب را رد خواهد کرد.

ماده نوزدهم: مدت اعتبار امتیاز برای انتشار نخستین شماره روزنامه یا مجله یک سال است چنانچه در این مدت مجله یا روزنامه منتشر نشد امتیاز خود بخود لغو می‌شود.

ماده بیستم: صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر روزنامه یا مجله در مورد جرایم مطبوعاتی و موارد مندرج در قانون مطبوعات مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱ مسئولیت مشترک دارند، آئین نامه فوق مشتمل بر بیست ماده که شورای عالی فرهنگ تنظیم و پیشنهاد نموده در جلسه چهاردهم دی ماه ۱۳۲۱ به تصویب هیئت وزیران رسیده و مقرر گردید فوری به موقع اجرا گذاشته شود.

نخست وزیر، احمد قوام (۱۲)

سه هفته بعد ۲۵ دی ماه به دنبال اعتراض مدیران با سابقه جرایم تهران (نظیر اطلاعات و کوشش) به ماده اول لایحه اصلاحیه قانون مطبوعات مبنی بر تحصیلات علمی صاحب امتیاز و مدیران جرایم، ماده واحده‌ای در خصوص صلاحیت علمی مدیران جرایم در مجلس طرح و به تصویب نمایندگان رسید. بر اساس این ماده واحده

ساحبان روزنامه‌ها و مجلاتی که مورد امتیاز خود را تا این تاریخ (۲۵ دی ۱۳۲۱) لااقل پانزده سال متوالی و به طور منظم منتشر ساخته‌اند حائز شرایط مندرج در ماده اول قانون مطبوعات مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱ شناخته می‌شوند این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه ۲۵ دی ماه ۱۳۲۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن

اسفندیاری (۱۳)

در اواخر سال ۱۳۲۱ وضع عمومی ایران به علت کمیابی ارزاق و نفت به شدت بحرانی شد. در همه جاشایعه بود که متفقین محصول غله و گندم ایرانیان را یک جا خریده و به اروپا و روسیه می‌فرستند. و حتی در موردی نیز این شایعه رواج پیدا کرد که نیروهای نظامی خارجی محصول خریداری

شده گندم را به آتش کشیده‌اند. تمامی شایعات فوق در مطبوعات انعکاس یافته و در بسیاری از آنها مورد نقد و بررسی قرار گرفت. و همین موضوع سر آغاز وقایعی شد که از آنها به عنوان تنها نمونه عکس العمل ملی و گسترده مطبوعات ایران علیه اشغالگران (به معنی اعم آن) و همچنین یکی از گسترده‌ترین توقیفات مطبوعاتی در دوره چهار سال و نیمه اشغال ایران به وسیله متفقین می‌توان یاد کرد.

همانگونه که گفتیم ماجرا از رواج شایعاتی درباره خرید غله ایران توسط متفقین (و بالاخص انگلیسی‌ها) و ارسال آن به اروپا و روسیه شروع شد. در سرمقاله جریده مهر ایران (که روز ۹ اسفند ۱۳۲۱ منتشر شد) پس از اظهار نگرانی از عدم توجه متفقین به تعهداتی که درباره رسانیدن خواربار به ایران کرده‌اند نوشته شده بود: «... شما معتقدید که در ایران مصالح و منافی دارید و حفظ آن منافع با دوستی و مودت بهتر صورت می‌گیرد. امروز که ملت ایران در راه انجام مقاصد عالی و حفظ مصالح و منافع شما به همه گونه فداکاری حاضر شده است عملی که به او می‌شود به کلی دور از موازین عدالت و انصاف می‌باشد. ما از نظر دوستی که با متفقین داریم حقایق را بی پرده می‌گوئیم. مامیل نداریم که در این هنگام که ملت ایران دچار کابوس قحط و غلا شده است کار را به مجامله و تعارف برگزار کنیم. فقط کمک و مساعدت متقابل را از متفقین می‌خواهیم...»

چند روز قبل از چاپ مقاله فوق بازارگاد مدیر جریده خورشید ایران در سر مقاله این جریده (در چهارم اسفند ماه) وضع سوخت را در ایران چنین مورد بررسی قرار می‌دهد: «...ایران منبع نفت و بنزین است. نفت این کشور اکنون قسمت مهمی از جنگ دنیا را اداره می‌کند. روزی هزاران کامیون و کشتی نفت و بنزین از آن خارج می‌شود. اما در تهران در دکانهای نفت فروشی هم مثل دکانهای نانوايي دو هفته‌ای است از صبح تا شب ازدحام می‌شود و ایرانی برای یک منقال نفت التماس می‌کند و در جواب می‌گویند نفت نیست...» (۱۵)

تا پایان سال ۱۳۲۱ چنین رابطه‌ای میان مطبوعات و متفقین حکمفرما بود. و اکثر مطبوعات تهران کمبود ارزاق و سوخت در ایران را به نوعی ناشی از عدم صداقت متفقین در برخورد با ایران می‌دانستند. تا اینکه سال ۱۳۲۲ آغاز شد. بهالذین بازارگاد که یکی از تندروترین مخالفان متفقین در قضیه کمبود ارزاق و سوخت بود، در شعری وضع آن زمان را چنین ترسیم می‌کند:

امسال فروردین دیگر بینم بر جای خیرها همه شر بینم
جای سرورها غم و درد و سوگ جای امید، بیم و حذر بینم
بینم جهان ما شده دیگرگون نوروژ را هماره دیگر بینم
از آسمان خیره بلابارد در بطن ابر تیره شر بینم (۱۶)

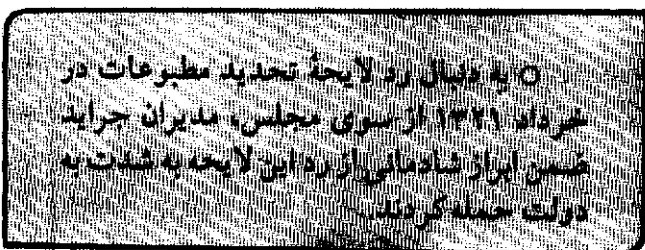
از سال ۱۳۲۲ هنوز چند روزی نگذشته بود که جریان تازه‌ای از برخورد مطبوعات و دولت شروع شد. ولی این بار بر خلاف گذشته موضوع نزاع دو طرف علاوه بر توقف جرایم، به اعمال نیروهای خارجی مستقر در ایران نیز مربوط می‌شد. تفصیل جریان از این قرار است که در روزهای آخر سال ۱۳۲۱ و اوایل فروردین ۱۳۲۲ در چندین مورد سربازان خارجی مستقر در تهران و اطراف آن با مردم درگیر می‌شوند. مطبوعات نسبت به این موضوع اعتراض می‌کنند. از جمله در شماره ۷ جریده مرد امروز در مقاله‌ای تحت

عنوان ایران بهشت جنایتکاران است اعمال متفقین این چنین مورد اعتراض قرار می‌گیرد. «... متفقین ما از روح قانون بی‌خبرند. قوه مجریه ما حافظ مجرمین و قوه قضایه ما بین دو قوه مقننه و مجریه گنج و مبهوت می‌باشد... ایران مدت بیست و دو سال است که به دست یک عده مردمان نالایق و بی‌سواد و زورگو و منفعت‌چی اشغال شده...» (۱۷)

پس از آنکه هفته نامه مرد امروز به دلیل چاپ این مقاله از سوی فرمانداری نظامی موقتاً توقیف شد، در ۲۰ فروردین ماه در جلسه‌ای که با حضور مقامات نیروهای آمریکایی مستقر در تهران و مدیران جراید تشکیل شد، مدیران جراید از مقامات آمریکایی تقاضا کردند جلوی رفتار غیر پسندیده سربازان آمریکایی با مردم تهران گرفته شود. (۱۸) به نظر می‌رسید نزاع بین مطبوعات و نیروهای متفقین با تشکیل این جلسه فروکش می‌کند. ولی چند روز بعد حادثه‌ای اتفاق افتاد که اعتراض شدید مطبوعات را به دنبال خود داشت. از مدتها قبل از این تاریخ سیمهای تلگراف بین قزوین و تهران توسط عده‌ای به سرقت می‌رفت و مأموران انگلیسی و هندی مستقر در تهران مترصد دستگیر کردن سارقین بودند. در همین زمان (فروردین ۱۳۲۲) مأموران مزبور به طور اتفاقی در بین راه تهران - کرج به ۵ نفر ایرانی برخورد می‌کنند که در حال قطع کردن سیمهای تلگراف بودند. مأموران بدون اخطار به طرف سارقین شلیک کرده ۴ تن از آنها را به قتل می‌رسانند. از سوی دیگر همزمان با واقعه فوق عده‌ای دیگر از جراید تهران توسط دولت توقیف شدند. همزمانی دورویداد مذکور سبب اعتراض شدید مطبوعات به متفقین و دولت گردید. محمد مسعود در روزنامه مرد امروز (که تازه از توقیف موقت خارج شده بود) در مقاله‌ای تحت عنوان چرا روزنامه نبرد توقیف شد؟ نوشت: «... دولت می‌گوید بر حسب فشار متفقین (انگلیس و امریکا) دستور توقیف روزنامه نبرد را داده است ولی برای ما قبول این مسئله فوق العاده دشوار است که چگونه کشورهایی که مدعی هستند فقط برای آزادی و اجرای عدالت در دنیا اسلحه به دست گرفته‌اند خودشان دشمن آزادی و عدالت باشند؟ البته جای هیچ انکاری نیست که احساسات جامعه ایرانی نسبت به انگلیسی‌ها خوب نیست. و ایرانیان به طور عموم منشأ بدبختی و جنایات و فجایع ۲۰ ساله را سیاست جابرنه انگلیسی‌ها می‌دانند...» (۱۹)

عباس خلیلی نیز در ۳۱ فروردین همین سال در سر مقاله روزنامه اقدام تحت عنوان «حوادث مهم: توقیف جراید، بستن بازار، قتل ایرانی، اختلال افکار» نسبت به اعمال متفقین و دولت ایران اعتراض کرد و نوشت: «... دولت دو روز پیش جراید ملی را توقیف نمود... اگر دولت ادعا کند که توقیف جراید بر حسب امر متفقین است که این ادعا دلیل عجز و ضعف می‌باشد. دولت که خود قوانین ناقص یا کامل مضر یا نافع دارد خوب است به موجب همان قوانین عمل کند تا مورد اعتراض و تحکم خارجی و داخلی واقع نشود. ما دولتی می‌خواهیم که در قبال نفوذ و امر خارجی از ما دفاع و ملت را حمایت کند. نه اینکه آلت اجراء نیات و مقاصد دیگران باشد. توقیف جراید آن هم به این نحو برای دولت گران خواهد بود. و این رویه شوم است که ضرر و عاقبت بد آن شامل دولت و ملت خواهد بود... اگر دولت بتواند علل و موجبات انتقاد در جراید را زایل کند تا موضوعی که باعث تحریک احساس نویسنده و خواننده بشود پیش نیاید چه بهتر. دولت

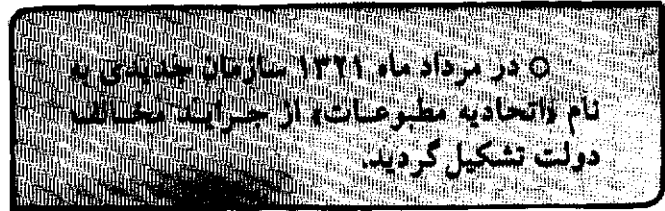
جراید را توقیف می‌کند، و بعضی از نمایندگان هم در جلسه خصوصی اظهار خشنودی و خرسندی می‌نمایند... و حتی در بعضی جلسات (مجلس) با اشتراک مساعی رای به تبعید مدیران جراید داده بودند که لیدی الاقتضا به جزیره قشم تبعید شوند و تا انتهای جنگ همانجا بمانند...» (۲۰) ارزش مقالات فوق وقتی بیشتر نمایان می‌گردد که بدانیم در آن شرایط سربازان متفقین تمامی ایران را اشغال کرده بودند و فرماندهان آنان اهرمهای قدرت را در کشور در اختیار خود داشتند. به عنوان آخرین نمونه از مقالات فوق مروری بر قسمتهایی از مقاله «هندی و ایرانی» نوشته ملک الشعرای بهار می‌کنیم:



«... بعد از واقعه دردناک پریشب و شهادت عده‌ای از برادران کارگر ما در مصاف «سیم تلگراف» به دست سربازان دولت بریتانیا روزنامه نداشتیم که در این واقعه ناله کنیم... این ضربت را سو سیاست و اشتباه بیست و پنج ساله بعضی از رجال بریتانیا به کارگران بیگناه ما زده و چهار نفس مظلوم را به خاک افکنده است. این همان اشتباهی است که کرده و باز هم می‌کند. این است نتیجه آن حس بدبینی و تصور اغراق آمیزی که سیاسيون دولت بریتانیا از بیست و پنج سال قبل در حق ما ایرانیان بیدار کرده و هنوز هم از آن تعقیب دارند... این جنایت را نمی‌توان به سرباز هندی نسبت داد. زیرا سرباز آلت اجرای فرمان صاحب منصب است. و هر امری که بکنند باید اجرا کند و مطیع باشد...» (۲۱)

نتیجه این مخالف خوانی ملک الشعرای بهار آن شد که در بین جرایدی که در این جریان توقیف شدند طولانی‌ترین مدت توقف نصیب روزنامه نوبهار شود. این روزنامه پس از شماره ای که مقاله فوق در آن چاپ شد تا روز دوم شهریور ماه در محاق توقیف قرار داشت. به رغم این اعتراضات توقیف روزنامه‌ها و هفته نامه‌ها از سوی دولت ادامه یافت. مدیران جراید نیز برای مقابله با دولت دست به دامان مجلس شدند. ولی این بار به دلیل آنکه علاوه بر توقیف مطبوعات موضوع متفقین نیز در میان بود کاری از دست نمایندگان ساخته نبود.

در جلسه ۶ اردیبهشت (۱۳۲۲) مجلس، یکی از نمایندگان به نام نوبخت طی سخنان قبل از دستور خود به شدت به توقیف جراید از سوی دولت اعتراض کرد. در پاسخ او رئیس مجلس به وی تذکر داد و گفت: «فرمانداری نظامی این کار را برای رفع زحمت کرده است. مصلحت کشور را باید رعایت نمود.» در ادامه همین جلسه عده‌ای از نمایندگان نیز نسبت به سخنان نوبخت اعتراض کردند. ولی او بدون توجه به این اعتراضات به سخنرانی خود ادامه داد. به همین جهت رئیس مجلس و جمعی از نمایندگان تالار جلسه را ترک نمودند. و چند نفر از و کلا به طور خصوصی به آقای نوبخت اظهار داشتند از اظهار بقیه مطالب خودداری کند. ولی او همچنان به کار خود ادامه داد. پس از رسمیت یافتن مجدد جلسه و بازگشت



رئیس مجلس اجرای ماده ۱۲۹ نظامنامه داخلی مجلس در مورد نوبخت به رأی گذاشته شد. و با تصویب نمایندگان نوبخت از جلسه مجلس اخراج گردید. (۲۲) با اینهمه مدیران جرارد دست از اعتراض به دولت برنداشتند و دولت نیز که فرصت را مناسب می‌دید، با جدیت بیشتری به توقیف جرارد مخالف پرداخت. در جلسه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۲ مجلس، یکی از نمایندگان به نام طباطبائی دولت را به دلیل توقیف جرارد استیضاح کرد. ولی در همان جلسه علی سهیلی نخست وزیر با استناد به قوانین مطبوعاتی اعتراض وی را رد نمود. مجلس نیز دلایل نخست‌وزیر را موجه دانست.

در همین زمان دوره سیزدهم مجلس در شرف پایان بود، و دولت موظف به برگزاری انتخابات در شهریور ماه گردید. بدین سبب از یک سو دولت در تلاش بهره‌برداری از همسویی عده کثیری از نمایندگان با سیاستهایش به جهت برخورد با مطبوعات بود، و از سوی دیگر نیز حمایت مجلس از دولت باعث بدبینی مطبوعات نسبت به نمایندگان بود. در اولین شماره مرد امروز که پس از رفع توقیف آن در ۲۱ خرداد ۱۳۲۲ منتشر شد محمد مسعود درباره نمایندگان مجلس نوشت: «... کلیه قوانین و قرار دادهایی که از دوره چهارم (مجلس) به بعد وضع و منعقد شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است... این دیگر خیلی مسخره است. این از مسخره هم مسخره‌تر است. که یک مشت حقه باز شاید، یک دسته کلاه‌بردار بی‌حیثیت، یک مشت بی‌آبرو و پررو در مرکز ثقل کشور جایی که خشت و گل آن با خون پاکترین و شریفترین فرزندان این مملکت عجین شده، قرص و محکم نشسته و با کمال و قاحت خود را نماینده ما معرفی می‌نمایند دولت تراشی و کابینه اندازی کنند. به نام ماسخرانی نمایند و به اسم ما پیش از دستور رطب و یا بس بافته و بعد از دستور قوانین ننگین و مفتضح وضع نمایند... این مسخره بازی در هیچ گورستان دنیا سابقه نداشته و در هیچ قبرستانی جز در این خراب شده جغد نشین امکان پذیر نیست.» (۲۳)

دولت نیز با توجه به نظر بدبینانه نمایندگان مجلس نسبت به جرارد در ۲۷ خرداد ماه «لایحه تحدید مطبوعات» را به مجلس برد که مضمون آن چنین بود:

ماده واحده:

الف. تعداد روزنامه‌ها و مجلات یومیه و هفتگی در تهران هفت و در شهرستانها از یک تا سه خواهد بود.

ب. در صورت توهین و هتاکی به مؤسسات و مقامات داخلی و خارجی به محض شکایت، روزنامه موقتاً توقیف می‌شود تا دادگاه بعداً رسیدگی نماید.

ج. این قانون تا شش ماه پس از پایان جنگ کنونی اعتبار دارد.

پس از طرح لایحه مذکور مذاکرات نمایندگان درباره آن شروع شد. با هم مروزی بر سخنان نمایندگان موافق و مخالف این لایحه می‌کنیم:

طباطبائی: «این لایحه البته غیر از آن لایحه‌ای است که دیروز با کمال تأسف شنیدم چند نفر از همکاران من در تنظیم آن دخالت داشته‌اند... به نظر من این لایحه مصلحت نیست که در چنین موقعی به مجلس بیاید.»
نوبخت: «این لایحه برخلاف قانون اساسی و اصول مشروطیت تنظیم شده است.»

منشور: «بنده با قانون مطبوعاتی که دولت سابق آورد موافق بودم. به این دلیل که به اشخاص فاضل اجازه داه شود روزنامه بنویسند. متأسفانه حالا می‌بینم برخلاف انتظار من جرارد از حدود وظایفی که داشته‌اند تجاوز کردند. این آقایان روزنامه نویسها حتی قانون مطبوعات را هم نخوانده‌اند که ببینند برای روزنامه نویس تا چه حد آزادی کلام مجاز است. قانون اساسی آزادی داده که روزنامه نویس فقط در اطراف لوائح بحث نموده و پیشنهاداتی به مجلس بدهد. بعضی از جرارد مقالاتی فقط برای نفع شخصی نوشته‌اند. بنده خواستم بگویم این نوشته‌ها در عوام تأثیر بدی می‌کند و ممکن است در این موقع که جمعی می‌خواهند روی اغراض مملکت را به طرفی سوق دهند، عکس العمل داشته باشد. بنابراین بنده با این لایحه موافقم.»

نراقی: «بنده با فوریت این لایحه مخالفم. زیرا در نتیجه انتشار چند مقاله در بعضی از روزنامه‌ها و هتاکی به مجلس یک حالت خشم و غضب در همه آقایان پیدا شده...»

در نهایت لایحه تحدید مطبوعات در مجلس به رأی گذاشته شد که رای لازم را نیاورده و دولت آن را پس گرفت (۲۴) مدیران جرارد با ابراز شادمانی از رد لایحه تحدید مطبوعات از سوی مجلس به شدت به دولت حمله کردند و این عمل را مورد انتقاد قرار دادند. به عنوان مثال عباس خلیلی در سرمقاله روزنامه اقدام نوشت: «... نمی‌توان گفت این غلبه و ظفر نصیب مطبوعات شده بلکه باید گفت پیروزی آزادی محرز و مسلم گردیده... کار این کشور از اختلاف گذشته به افتضاح رسیده کشاکش ما بین دولت و مجلس و مطبوعات از انتقاد تجاوز کرده به مشاجره در آمده...» (۲۵) و این چنین بود که یکی از مهمترین درگیریهای عمومی مطبوعات و دولت به پایان رسید. برای اینکه تصویری کلی از تأثیر این درگیریها بر روی انتشار مطبوعات به نظر آید با هم مروزی می‌کنیم بر وضع انتشار هفته نامه مرد امروز در طی سال اول انتشار آن (از ۲۹ مرداد ۱۳۲۱ تا شهریور ۱۳۲۲).

شماره‌های اول و دوم این هفته نامه به ترتیب در ۲۹ مرداد و ۵ شهریور ۱۳۲۱ منتشر گردید. و پس از انتشار شماره سوم آن در ۱۲ شهریور توقیف شد. یک ماه و نیم بعد شماره چهارم مرد امروز در ۳۰ مهر منتشر گردید. در بالای صفحه اول این شماره توضیح ذیل در خصوص رفع توقیف مرد امروز آمده است: «در اثر توقیف غیر قانونی نامه مرد امروز تلگرافی به پیشگاه همایونی عرض و تقاضای رسیدگی و امر به رفع توقیف شد. اعلیحضرت همایونی امر به رفع توقیف (داده) و کارکنان این نامه را رهین مراحم عالییه فرمودند.» (۲۶)

ولی مراحم عالییه همایونی نیز باعث نشد که پس از انتشار شماره‌های پنجم و ششم مرد امروز (به ترتیب در ۷ و ۱۴ آبان ۱۳۲۱) این جریده توقیف نگردد. این بار زمان توقیف طولانی شد و تا ۶ فروردین ۱۳۲۲ به

طول انجامید. در این روز پس از انتشار شماره هفتم مرد امروز مجدداً به مدت کوتاهی جلوه انتشار این جریده گرفته شد. شماره هشتم این هفته نامه به تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۲۲ است. و پس از آن این جریده نیز به همراه تعداد زیادی از مطبوعات و جراید تهران توقیف شد. این وضع تا ۲۱ خرداد ماه همان سال ادامه داشت. در این تاریخ شماره ۹ مرد امروز منتشر شد و بلافاصله توقیف گردید. همین وضع نیز مجدداً پس از انتشار شماره های ۱۰ و ۱۱ مرد امروز در ۷ و ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ تکرار شده و این بار مدت توقیف تا ۲۶ آذر ماه به طول انجامید. در مجموع از هفته نامه مرد امروز در یک سال تنها ۱۱ شماره منتشر شد این امر مبین رابطه بین مطبوعات و دولت در این دوره است.

البته برخورد منفی تنها نوع برخورد مدیران جراید و مطبوعات با دولتهای قوام و سهیلی و قوانین و مقررات آنها نبود. بودند مدیرانی که با دولت برخورد تملق آمیزی کردند تا از این رهگذر بتوانند جایی در دستگاه دولتی برای خود پیدا کنند و یا گروه‌ای از مشکلاتشان باز نمایند. یکی از این افراد خلیل نوعی صاحب امتیاز روزنامه سپید رود رشت بود که پس از واقعه ۱۷ آذر جریده اش توقیف شده و بر طبق لایحه اصلاح قانون مطبوعات در سوم دی ۱۳۲۱ نمی توانست آن را منتشر سازد. بدین سبب برای آزادی انتشار سپیدرود تمام تلاش خود را به کار بست و سعی نمود با توسل به سهیلی اجازه انتشار جرایدش را به دست آورد. مجموعه‌ای از سه نامه که خلیل نوعی در فاصله ۸ فروردین تا ۷ مرداد ۱۳۲۲ به دفتر نخست وزیری فرستاده است نمونه‌ای از آراء و افکار خصوصی صاحب امتیاز یک جریده است که خواندن آنها ما را با جنبه دیگری از وضع مطبوعات این دوره آشنا می‌کند. این نامه‌ها (۲۷) در بخش انتهایی مقاله حاضر تحت عنوان مجموعه سند شماره ۱ آمده است. در این قسمت از مقاله برای آشنایی بیشتر خوانندگان با مطالب و موضوعات چاپ شده در جراید منتشره در فاصله زمانی تیرماه ۱۳۲۱ تا شهریورماه ۱۳۲۲ فهرستی از مطالب سه جریده از جراید فوق الذکر ارائه می‌گردد:

نامه راه، شماره پنجم، مرداد ۱۳۲۱: «نطق اعلیحضرت همایونی»، «فرمان مشروطه از کیست؟»، «هیئت دولت جدید»، «جهانگردی در ایران»، «پخش اشعه‌های مرگ‌آور به وسیله بی‌سیم»، «کشف سرزندگی»، «یک شهر بی طرف دنیا»، «استاد چینی چه می‌گوید؟»، «آمیزش»، «چگونه دوست بیابیم»، «زیر درخت صنوبر»، «بیچاره هر دو»، «انسان آینده»، «یک صنایع بزرگ»، «صلاح الدین ایوبی و شاهزاده فرنگی»، «اخبار مهم داخله»، «اخبار مهم خارجی»، «مطبوعات تازه»، «راجع به جلد سوم سیر حکمت در اروپا»، «سخنرانی‌های آقای راشد»، «کتاب کنت گوینو».

سالنامه پارس: فروردین ۱۳۲۲

بخش یکم: «تعلیمات عمومی و اساسنامه حکومت ملی»، «بقیه تاریخچه ادبیات ایران»، «گزارش یک ساله کشور تا دی ماه ۱۳۲۱»، «در دانشگاه تهران»، «از دانشمندان نامی امروز»، «فرزندان سعید و افسران شهید وطن»، «گزارش جهان در سال سوم و چهارم جنگ»، «معالجه مسمومین گازه‌های جنگی»، «پیدایش پول، ارز، اسکناس»، «متمم گزارش یک ساله تا اول بهمن»، «بانکهای کشور»، «نرخ ارزاق در پنجاه سال اخیر»، «شهاب ناقب یا بازان ستارگان».

بخش دوم: «سالنامه پارس»، «تقدیم همه ساله»، «رساله جودیه ابوعلی سینا»، «درمانهای مجرب کاذب الساعه رازی»، «دستور تهیه کاغذهای الوان»، «ساختن مرکبهای خوب»، «کتابت با آب طلا و نقره»، «آب و هوا و آفتاب»، «ازدواج خوب و با ثمر»، «سرگرمیهای نمونه»، «بهترین لباسها»، «دوازده جدول»، «بقیه فالنامه»، «سال پیش»، «بخش پزشکی»، «مسمومیتها»، «نگاهداری مرغ و تخم مرغ»، «سبزی‌های خوب در باغچه»، «خطرات سوارکاری»، «طریق استفاده از اتومبیل های کهنه»، «قانون راجع به دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری شاه سابق».

جزوه یکم آئینه مطبوعات، ۲۹ خرداد ۱۳۲۲:

یک مقاله از مرحوم میرزاده عشقی، یک مقاله از مرحوم داور، یک مقاله از علی دشتی، یک مقاله از دهخدا، خلاصه اخبار ایران از بدو مشروطیت، «تلگراف گریه‌های تهرون به گریه‌های حضرت عبدالعظیم»، «رضاشاه و کیل نمی‌شود»، «یک وزیرگم شده: به مجلس شورای ملی مراجعه کنید»، «یک مقاله فکاهی به قلم بچه رشتی»، «دستخط مظفرالدین شاه».

(مجموعه سند شماره ۱)

تلگراف از تهران به تهران، شماره قبض تلگراف

۵۱۸۵۱۳۹، تاریخ اصل ۸، تاریخ وصول ۹

فروردین ۲۲ (۱۳)

جناب آقای نخست وزیر، تهران، با سابقه هفده سال روزنامه نگاری یک ماه است به عذر نرسیدن گواهی اخلاق از فرهنگ رشت متحمل مخارج و زیان طاقت فرسا، استرحاماً صدور امتیاز مورد تقاضا، مدیر روزنامه سپید رود رشت، نوهی. نشانی، تهران پشت شهرداری مغازه بنگاه معاملات شخصی، نوهی.

۱۳۲۲/۳/۱۹ جناب آقای نخست وزیر

در دوره نخست وزیری آن جناب چشم امید ما در آزادی روزنامه‌های خود به آن جناب می‌باشد. جنابعالی که طرفدار مطبوعات هستید، می‌توانید در تحت ساده واحده و وسایل استخلاص ما را فراهم و در بقاء خدمات روزنامه‌های شهرستانها و در حیات کارکنان آنان وسیله شوید. تا ابد دعاگو باشید. والا از روزنامه‌های زیادی مرکز چه فایده جز اینکه ساعت به ساعت وسایل ابتذال روزنامه را فراهم کنند. خلیل نوعی مدیر روزنامه سپید رود رشت من پس از ششماه سرگردانی و زندگی‌های زیاد و تحمل تقریباً ۳۵ هزار ریال خسارت اینک بهلوی عائله خود و کارکنانم شرمندانه رفته و پس از ۱۷ سال خدمت در نامه نگاری اینک به رشت حرکت کردم. و با اشک چشم و تأثرات مافوق التصور از آن جناب تودیع می‌کنم و اگر خود را در برابر این ناملاچیات روحی بدبخت کردم و به گوش آن جناب رسید متالم نشوید.

خلیل نوعی، مدیر روزنامه سپید رود رشت

رشت، روزنامه سپید رود، شماره تلفن ۱۷۷،

هنوان تلگرافی رشت، سپیدرود تاریخ ۷ مرداد

ماه ۱۳۲۲

نمی‌تواند در برابر انتظارات از یک تن نخست وزیر، آزادی خواه و قانونی ملاک قرار گیرد. و باز منتظم در این موقع که آزادی انتخابات را اعلام فرموده‌اید، باعث شوند دشمنان آزادی و مرتجعین در اجرای مقاصد پلیدانه در خفه کردن یک فرد آزادی خواه حقیقی نشوند. و هم صحنه تاریخ درباره آزادی خواهی آن جناب قضاوت عادلانه نماید.

مدیر روزنامه سپید رود رشت (امضاء)
خلیل نوعی

منابع

- ۱- کوهی کرمانی، حسین، از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، تهران، چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۹، ص ۲۳۸.
- ۲- همان منبع، ص ۳۱۰ - ۳۶۰.
- ۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۱۱، ش ۲۹۲۶، ص ۱.
- ۴- همان، ۱۳۲۱/۴/۱۴، ش ۲۹۲۹، ص ۱.
- ۵- همان، ۱۳۲۱/۴/۱۷، ش ۲۹۳۳، ص ۲.
- ۶- همان، ۱۳۲۱/۴/۱۸، ش ۲۹۳۴، ص ۱.
- ۷- همان، ۱۳۲۱/۴/۲۵، ش ۲۹۴۰، ص ۱.
- ۸- ساتن، الوان، مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، گردآورنده و مترجم حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵.
- ۹- هفته نامه مرد امروز، ۱۳۲۱/۶/۵، ش ۲، ص ۱.
- ۱۰- روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲/۶/۳، ش ۲۹۷۷، ص ۲.
- ۱۱- ساتن، همان، ص ۲۳۳ - ۴.
- ۱۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲/۱۱/۹، ش ۵۰۸۶، ص ۳.
- ۱۳- ساتن، همان، ص ۲۲۴.
- ۱۴- روزنامه نوبهار، ۱۳۲۱/۱۲/۱۰، ش ۷، ص ۳.
- ۱۵- هفته نامه خورشید ایران، ۱۳۲۱/۱۲/۴، ش ۱۸، ص ۱.
- ۱۶- روزنامه اقدام، ۱۳۲۲/۱/۱۱، ش ۲۱۲، ص ۱.
- ۱۷- هفته نامه مرد امروز، ۱۳۲۲/۱/۶، ش ۷، ص ۱ و ۶.
- ۱۸- روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲/۱/۲۰، ش ۵۱۲۹، ص ۱.
- ۱۹- هفته نامه مرد امروز، ۱۳۲۲/۱/۲۷، ش ۸، ص ۱.
- ۲۰- روزنامه اقدام، ۱۳۲۲/۱/۳۱، ش ۲۲۸، ص ۱.
- ۲۱- روزنامه نوبهار، ۱۳۲۲/۱/۲۹، ش ۳۱، ص ۱.
- ۲۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲/۲/۶، ش ۵۱۵۴، ص ۱.
- ۲۳- هفته نامه مرد امروز، ۱۳۲۲/۳/۲۱، ش ۹، ص ۱.
- ۲۴- روزنامه اقدام، ۱۳۲۲/۳/۲۷، ش ۲۴۰، ص ۲ و ۳.
- ۲۵- همان، همان صفحه
- ۲۶- هفته نامه مرد امروز، ۱۳۲۱/۷/۳۰، ش ۴، ص ۱.
- ۲۷- سازمان اسناد ملی ایران، سری اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۲.

جناب آقای سهیلی نخست وزیر، در پاسخ نامه شماره ۸۰۲۸ - ۲۲/۴/۱۸ ریاست دفتر نخست وزیری آن جناب متذکر می‌شود. شورای فرهنگ محل ۱- عبارت از محمد حسین بهاری پسر شیخ باقر همدانی است که چندتن از آزادخواهان را در موقع غلبه محمدعلی میرزا به محبس گردن زده، و در هر گونه قتال و جدال حکم بر اعدام و غارت اموال از آزادی خواهان خودداری نکرده و چنین ولدی را برای دوره ریاست وزرائی احمد قوام به یادگار داشته،

۲- کاظم مژدهی معتمد همایون، پسر همان معین همایون فراش باشی دوره قاجاریه و از دژخیمان معروفی است که شخص معتمد همایون مالک و مفتخور بوده و از حاصل املاک پدری که با آن شغل تهیه شده است امرار معاش می‌کند. و تقریباً بی‌کار و سربرار جامعه است.

۳- جهانگیر سرتیپ پور پلیس مخفی اداره شهربانی در دوره شاه سابق می‌باشد. که از طرف شهربانی به جمعیت بنگاه حمایت مادران و شورای فرهنگ و سایر موسسات برای جاسوسی تحمیل گردیده، خورده مالک و مفتخور و (؟) خیابانها است. که اخیراً با شرکت چند نفر قماش را از اداره دارائی گرفته و در فروختن آنها در برابر کوبین تقلب و دستبرد خوبی کرده و باروز نامه توانسته در صده تلافی بر آید.

۴- مهدی رهبر کسروی رئیس فرهنگ اصلاً دارای مذهب بهایی است. و اراده آن غیر از آقاییان موصوف به چند تن از معلمین حکمرفا می‌باشد. و برای قاچاق کردن از قانون احمد قوام و شرکت محرمانه در درآمد یک روزنامه محلی مورد تعقیب بنده است. و گزارش مشارالیه مغرضانه می‌باشد. و خاصه در شخصیت این جناب که هفده سال مرتباً نامه نگار بوده‌ام و ۱۲ جلد کتاب منجمله کتاب معروف گذشتگان را تالیف و منتشر نموده‌ام، آن استاد نمی‌تواند قرابت پیدا کند. و خیلی عامیانه است. و مخصوصاً گواهی اداره دادسرا بر عدم پیشینه کیفری این قبیل یاوه‌ها را از نظر صلاحیت قانونی داغ باطل می‌زند. و